یادداشت

ایران و عمان
الگوی شاخص همزیستی منطقه‌ای

حسین ایزدپناه . مدیر مؤسسه راه آب ابریشم

توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی بین تهران - مسقط در سال‌های اخیر قبل از آنکه به تدابیر هوشمندانه دولت‌های معاصر برگردد، نتیجه در یک رابطه تاریخی دارد که در حقیقت بخشی از تمدن تجارت دریایی مسلمانان به حساب می‌آمد که به راه آبی ابریشم معروف است و در ادامه مطلب به آن پرداخته خواهد شد. تفاهم‌نامه‌های منعقدشده در زمینه‌های اقتصادی، گردشگری و پزشکی نه تنها بر اساس ظرفیت‌های موجود در دو کشور گامی مثبت در تحکیم روابط دوجانبه و ارتقای سطح مناسبات محسوب می‌شود بلکه زمینه‌ساز روابط انسانی و گفتمان فرهنگی بین دو ملت هم ریشه با نیز فراهم می‌کند که مراودات مردم در سطح شهرهای مختلف دو کشور و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده گواه بر این مسئله است. اتصال بنادر دریایی بندرعباس و قشم ایران به بندر خصب، طرح اتصال خط کاز ایران به عمان، همچنین تفاهم‌نامه‌های پزشکی و گردشگری با استان فارس و اجرای نمایشگاه‌های متعدد فرهنگی و هنری در دو کشور از جمله نشانه‌های عملی دیپلماسی قوی ما بین دو کشور است.

ریشه‌های تاریخی روابط حسنه کجاست؟

بر اساس آنچه از اسناد تاریخی به دست آمده، پس از حمله اعراب به ایران و انتقال قدرت از ساسانیان به مسلمانان در قرون اولیه اسلامی، بنادر ساحلی دریای پارس که نتها از رونق نیفتادند بلکه بر دامنه فعالیتشان نیز افزوده شد و از مهمترین دلایل این بودد که با توجه به انتقال پایتخت سیاسی به خارج از مرزهای ایران، هرج و مرج و ناامنی در شهرهای ایران شایع شد و همین امر باعث به‌خطرافتادن راه زمینی ابریشم شد و تجار مسیر دریایی را برای انتقال کالاهای خود برگزیدند و بنادری چون لنگه، بصره، سیراف، جسده و صحار در عمان که همچنان ایرانی باقی مانده بودند، رونق فراوانی یافتند اما پس از سقوط سلسله اموی این میراث ارزشمند تجارت دریایی به طور کامل به خلافت اسلامی منتقل شد. بیکرایچگی جغرافیایی مناطق کرانه‌های سواحل البته یارجا نماند و شروع نهضت‌های سیاسی در بین‌النهرین و تحت‌الشعاع قرارگرفتن جریان‌های اقتصادی در این منطقه باعث ازبین‌رفتن بنادر شمالی چون بصره و ابله شد و در عوض بندر سیراف نیض جدی و طلایی برای تجارت دریایی و مبدا راه آبی ابریشم شد. کشتی‌ها پس از بارگیری از سیراف با کمار از دریای عمان به مسقط می‌رسیدند و از آنجا با کمار از اقیانوس هند راهی چین و هند می‌شدند و از اینجا بود که مبادلات تجاری بین سیراف و مسقط منجر به روابط گسترده فرهنگی و اجتماعی شد.

کشتی‌رانی از سیراف به مسقط
داستانی برای آغازراه ابریشم دریایی

کتاب «اخبار الصین و الهند» را ابوزید سیرافی پس از اضافه‌کردن مطالب ابن وهب بر گزارشات سفر «ناخدا سلیمان سیرافی»، تاجر معروف به رشته تحریر درآورد. نوشته‌های سلیمان حاوی گزارش گونه‌ای از عجایب جهان باستان است که سفرهای دریایی را همراه با مخاطراتی مانند توفان، راهزنان دریایی و ماهیان غول‌پیکر روایت می‌کند و به صورت سلسله داستان‌هایی منظم تدوین شد. یکی از آنها «داستان‌های سندباد» نام دارد که بعدها جزء مجموعه بزرگ «هزار و یک شب» درآمد. اما جدا از جذابیت‌های افسانه‌ای سفرنامه ناخدا سلیمان سیرافی که از مشاهدات عینی خود از تجربه سفر به چین می‌آید، آنچه بیش از همه حائز اهمیت است و بعدها مورد استفاده بسیاری از سفرنامه‌نویسان نیز قرار گرفت حکایت حکمرانی دریای ویژ کار آمد. اوایل راست‌جمهوری کهن دریای سخر و دریای مدیترانه و نقش اتصالی دریای پارس است که سرزمین‌های عربی را به هند و چین متصل می‌کرد. سیراف بندری ثروتمند با بناهای بزرگ و ساکنان بسیار بوده که نقطه آغازین راه آبی ابریشم به حساب می‌آمده چنانکه سلیمان سیرافی می‌گوید: «کشتی‌ها در سیراف بارگیری می‌کردند و به سوی مسقط انتقال می‌دادند و از آنجا به چین و هند رانه می‌شدند» و این تردد دریایی منجر به سکونت و مهاجرت ایرانیان در بخش‌های از عمان بیشتر بندر مشهور صحار گشت.

جاذبه‌های عمان برای ایرانی‌ها

از دیرباز همزیستی فرهنگی بین مردمان عمان که سنت‌های قومی و مذهبی نزدیکی با مردمان جنوب ایران داشتند، سبب شد تعامل سازنده بین دو ملت به‌وجود آید و نشانه‌های آن را می‌توان در برخی شهرهای ایران به‌خصوص شهر شیراز مشاهده کرد. پوزاهای هنگی شیراز- مسقط فرصتی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های تجاری، گردشگری و پزشکی را بیش‌تر روی شهروندان عمانی قرار می‌دهد. از طرف دیگر جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در عمان در کنار فرهنگ مدارای این مردمان و قرابت قومی، ایرانیان را در سال‌های اخیر مشتاق مهاجرت به عمان و سرمایه‌گذاری در این کشور کرده است. با وجود اینکه الگوهای رفتاری در این کشور سلطان‌نشین شبیه دیگر کشورهای عربی همسایه است، اما روحیه تعاملی و میهمان‌نوازی آنان زبانزد است که این خود ریشه در تاریخ رسیدنی و روابط دوستانه با دیگر ملت‌ها دارد.

خبر

طرح ظرفیت بر بازار ماه رمضان از ۱۰ اردیبهشت آغاز می‌شود

طرح ویژه نظارت بر بازار کالاهای اساسی در ماه مبارک رمضان از دهم اردیبهشت آغاز خواهد شد. به گزارش ایسنا به نقل از وزارت صنعت، معدن و تجارت، با تصمیم اعضای کارگروه ستاد تنظیم بازار مقرر شده است با هدف تنظیم بازار اقلام اساسی و مصرفی خانوار در ماه مبارک رمضان، طرح ویژه نظارت بر بازار از روز دهم اردیبهشت آغاز و تا هفدهم خرداد ادامه یابد. این اقدام با هدف حفظ آرامش بازار در ماه مبارک رمضان و توجه به رفاه هموطنان به ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه صورت می‌گیرد. پیش‌بینی شده است کارگروه‌های ستاد تنظیم بازار در هر استان با توجه به شرایط استان تحت مسئولیت خود درباره اتخاذ تصمیم برای برگزاری فروش‌های فوق‌العاده و همچنین نمایشگاه‌های طرح ظرفیت اقدام کنند. براساس این عرضه اقلام اساسی در دو سطح صورت خواهد گرفت. کالاهای اساسی مانند برنج، شکر، روغن، گوشت قرمز در این راستا با قیمت‌های ترجیحی برای خانوارهای هدف اختصاص می‌یابد و با فروش‌های فوق‌العاده عرضه خواهد شد. در این راستا تصمیماتی نیز با هدف تنظیم بازار خرما، زولبیا و بامیه، حلیم و آش که کالاهای مهم و پرمصرف در این ماه هستند، اتخاذ شده است. هرساله در آستانه ماه مبارک رمضان حداقل دو بخش از اقلام یرمصرف با هدف بیشترین کردن از رشد ناگهانی قیمت‌ها ابلاغ و به اطلاع شهروندان می‌رسد.

اقتصاد

غلامرضا نظربلند در گفت‌وگو با «شرق» جرایی و پیامدهای ورود نام سپاه به لیست تروریستی را تحلیل می‌کند

بهانه FATF را به اروپا ندهیم

اروپا ترجیح می‌دهد بهانه‌ای داشته باشد که اینستکس را اجرائی نکند، اگر با FATF راه نیاییم، راحت‌ترین حربه را به دست اروپایی‌ها داده‌ایم

عکس: امیر جدیدی

شکوفه حبیب‌زاده: قراردادن یکی از ارکان نظامی یک کشور در لیست تروریستی، یکی از اقدامات مخرب آمریکا در راستای انزوای ایران بود که با واکنش‌های بین‌المللی روبه‌رو شد. واکنش‌های داخلی به این اقدام تحریک‌آمیز آمریکا نیز کم نبود. یک‌دست‌شدن پوشش نمایندگان مجلس در قالب لباس نیروهای سپاه یا لباس یک اقدام در راستای حمایت از نیروهای نظامی بود. با این حال کارشناسان هشدار می‌دهند که نباید در قبال اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا، واکنشی تند داشت. غلامرضا نظربلند، اقتصاددان و تحلیلگر مسائل سیاسی در این باره به «شرق» می‌گوید: «گنجاندن نام سپاه در لیست FTO بخشی از یک جنگ روانی (psychological warfare) است. یعنی می‌خواهند جامعه را تحریک و عصبانی‌تان کنند تا واکنش‌های حاد و احساسی نشان دهید. چنین واکنش‌هایی به ضرر ماست، چون عقلانی نیست و تردادن به خواست طرف مقابل است. تحریک شویید، بازی را باخته‌اید. زمانی تیلرسون، نخستین وزیر خارجه ترامپ کابینه خود را معرفی کرد، گفت که اطراف ترامپ هستند و به او در امور مربوط به سیاست خارجی و امنیت داخلی مشاوره می‌دهند، بسیار به توصیه‌های این اندیشکده‌ها توجه می‌کنند و در مرحله عملی‌تری‌کردن این توصیه‌ها هستند.

■ این راهبرد در مورد همه کشورها از جمله اروپا اعمال می‌شود؟

جامعه هدف این راهبرد کشورهایی است که در دیدگاه دشمن شناخته می‌شوند. ایران آن کشورهای است.

■ بین دشمنان تفاوتی قائل می‌شوند تا سیاست‌شان را بر آن اساس تنظیم کنند؟

آمریکا به جز ایران و کره‌شمالی، دشمن دیگری برای خودش متصور نیست. جریانی هم می‌خواهد مثل همه کشور، بگوید «کره تروریستی» است. حزب‌الله، طالبان، حماس، الشاعده، الشباب و بوکوحرام از آن جمله‌اند. الان هم برای اولین‌بار است که نیروی مسلح رسمی و قانونی یک کشور را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار می‌دهند.

■ حالا که این اتفاق افتاده، چه واکنشی باید داشته باشیم؟ یکسری رفتارها در داخل کشور می‌تواند محتاطانه باشد. اما ممکن است اقدامی صورت گیرد که قابل بازگشت نباشد.

گنجاندن نام سپاه در لیست FTO بخشی از یک جنگ روانی (psychological warfare) است. یعنی می‌خواهند روی اعصاب شما را بروند و تحریک و عصبانی‌تان کنند تا واکنش‌های حاد و احساسی نشان دهید. چنین واکنش‌هایی به ضرر ماست، چون عقلانی نیست و تردادن به خواست طرف مقابل است. تحریک شویید، بازی را باخته‌اید. زمانی تیلرسون، نخستین وزیر خارجه ترامپ کابینه خود را معرفی کرد، گفت که اطراف ترامپ هستند و به او در امور مربوط به سیاست خارجی و امنیت داخلی مشاوره می‌دهند، بسیار به توصیه‌های این اندیشکده‌ها توجه می‌کنند و در مرحله عملی‌تری‌کردن این توصیه‌ها هستند.

گنجاندن نام سپاه در لیست FTO بخشی از یک جنگ روانی (psychological warfare) است. یعنی می‌خواهند روی اعصاب شما را بروند و تحریک و عصبانی‌تان کنند تا واکنش‌های حاد و احساسی نشان دهید. چنین واکنش‌هایی به ضرر ماست، چون عقلانی نیست و تردادن به خواست طرف مقابل است. تحریک شویید، بازی را باخته‌اید. بنابراین باید حواسمان را جمع کنیم که در زمین آنها بازی نکنیم

■ چه کار باید کرد؟

باید عجالتا خویشتن‌داری کنیم و سر فرصت الگوی رفتاری مناسب را تدبیر کنیم. خروج از برجام هم به نوبه خود تحریک‌آمیز بود. چون تعهد و میثاقی بود که آمریکا آن را شکست. بدون آنکه خداق آداب و مناسبت خروج را رعایت کند. در خود برجام پیش‌بینی شده، رعایت کند. اگر ما خارج می‌شدیم، آمریکا به خواسته‌اش می‌رسید و علیه ما اجماع‌سازی می‌کرد. شاید شما بگویید خب ما با یقین‌مان در برجام به دست آوردیم؟ اصوا ما ظرف قضیه را بیینید که با خروجمان چه جیزهایی را از دست می‌دادیم که حداقل در دست نداریم. با ماندن ما در برجام، جهان با آمریکا هم‌رای نیست. اروپا هم که با ما بی‌مسئله نیست، حداقل در این مورد با ما مسئله یدا نکرد و به قوانی باری روی دوشمان نگذاشت. اتحاد خوبی درصدد دورزدن تحریم‌های یکجانبه آمریکا برآمده‌اند، هرچند هنوز عملیاتی نشده است.

■ آیا در کشورهای اروپایی نشانه‌ای از حمایت از ایران در برابر قراردادن نام سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی می‌بینید؟

بستگی به این دارد که حمایت را چگونه معنی کنیم. همین اندازه که این کشورها می‌گویند سپاه یاسداران را سازمان تروریستی نمی‌نامند، مهم است. ما که نمی‌توانیم علیه آمریکا اجماع‌سازی کنیم. همین که نگذارید علیه ما اجماع‌سازی کنند، بایسته به فال نیک بگیریم. عدم همراهی اروپا با آمریکا در قضیه خروج از برجام را نباید نادیده بگیریم؛ حتی اگر در شکل بدیناته آن، نوعی تقسیم کار باشد.

■ آیا رویکرد اروپا در قبال ایران، اثری خواهد داشت و سبب می‌شود اراده آمریکا و روند طی‌شده قبلا کنترل شود و جایی به انمام برسد؟ نتیجه همراهی اروپا علیه آمریکا چه می‌تواند داشته باشد؟

نباید انتظار داشته باشیم که اروپا و دنیای غیر از آمریکا با ما همراه و رفیق گرمابه و گلستان باشد. در سپهر روابط بین‌الملل کنونی، بیشتر از اتحاد آمریکا از اجماع پیروی نکنند، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم. البته اگر واکنش تندی نشان دهیم، ممکن است همین را هم نداشته بیاشیم.

■ اگر ما واکنش‌های تندی نشان دهیم ممکن است با آمریکا همراهی کنند؟

بله! باید محتاط بود. حتی اگر روزنامه‌های تیتر تندی بزند مستند می‌شود و آن را علیه ما به کار می‌برند. باید از حر چیزی که ممکن است کرک به دست آمریکایی‌ها بدهد اجتناب کنیم. اگر هم کسی خواست از روی شیطنت یا احساس تکلیف کاری انجام دهد، خودمان را مبرا کنیم. درواقع باید هم بیشگیری کنیم و هم اگر اتفاق ناخواسته‌ای افتاد، از آن فاصله بگیریم. در غیر این صورت در زمین آمریکایی‌ها بازی کرده‌ایم.

■ درواقع به یکسری افراد تندرو در داخل هم توصیه می‌کنید که سعه صدر داشته باشند. مگر می‌توان از آنها چنین انتظاری را داشت.

■ ایران بیش از قراردادن سپاه در لیست سازمان‌های خارجی تروریستی، حرکاتی مثل اغـــاس بانک‌های نظامی، خروج نیروهای نظامی از افغانستان را انجام داده. آیا می‌توان از این اقدامات، جیبر عیوشمندی ایران در برابر طرحات احتمالی آینده را داشت؟

یک پای مشکلات را باید در روود غیـر اقتصادی‌ها از جمله سپاه در امور و شئون اقتصادی کشور بدانیم. اینها از اول نباید به اقتصاد ورود می‌کردند، چون این کار، آنها را آسیب‌پذیر می‌کند. وقتی وارد اقتصاد می‌شـوند، دشمن هم اقتصاد کشور را سیل می‌کند.

البته اینکه سپاه را در این قضیه تنها بگذاریم و بگوییم خودشان جوابگو باشند، بدترین حالت است که می‌تواند اتفاق بیفتد. اینها مسایل داخلی ماست. بیگانگان را حقی نیست، ضمن آنکه آمریکایی‌ها به دلیل ورود سپاه به عرصه اقتصادی از در پرسش موفقیت برنامه‌ها و سیاست‌ها و از در قبال ایران است. آنها به نوعی شرطبندی کرده‌اند و باید در این قمار سیاسی برنده شوند. از سوی دیگر، آنچه به ما مربوط می‌شود این است که حیثیت حاکمیت کنونی آمریکا به بازنگری در رویکرد و راهبردش در قبـال ایران وارد شده است. باید طیفی از اقدامات از تاب‌آوری در اقتصاد و سیاسـت داخلـی گرفته تا مبارزه با فـساد در داخل و تقویت سیاست خارجی و دیپلماسی و اجماع‌سازی را مدنظر قرار دهیم. باید به سمت وفاق ملی برویم و همه ظرفیت‌ها را به کار بگیریم. در غیر حل باید طبق ضمن برهیز کامل از انفعال اقدامی هم نکنیم که تحریک‌آمیز است. عجالتا مزیت نسبی آمریکا در تهاجم و مزیت نسبی ما در تدافع است.

■ ایران بیش از قراردادن سپاه در لیست سازمان‌های خارجی تروریستی، حرکاتی مثل اغـــاس بانک‌های نظامی، خروج نیروهای نظامی از افغانستان را انجام داده. آیا می‌توان از این اقدامات، جیبر عیوشمندی ایران در برابر طرحات احتمالی آینده را داشت؟

یک پای مشکلات را باید در روود غیـر اقتصادی‌ها از جمله سپاه در امور و شئون اقتصادی کشور بدانیم. اینها از اول نباید به اقتصاد ورود می‌کردند، چون این کار، آنها را آسـیب‌پذیر می‌کند. وقتی وارد اقتصاد می‌شـوند، دشمن هم اقتصاد کشور را سیل می‌کند.

البتـه اینکه سپاه را در این قضیـه تنها بگذاریم و بگوییم خودشان جوابگو باشند، بدترین حالت است که می‌تواند اتفاق بیفتد. اینها مسایل داخلی ماست. بیگانگان را حقی نیست، ضمن آنکه آمریکایی‌ها به دلیل ورود سپـاه بـه عـرصه اقتصادی از در پرسش موفقیت برنامه‌ها و سیاسـت‌ها و از در قبال ایران است. آنها به نوعی شرطبندی کرده‌اند و باید در این قمار سیاسی برنده شوند. از سـوی دیگر، آنچه به ما مربوط می‌شود این است که حیثیت حاکمیت کنونی آمریکا به بازنگری در رویکرد و راهبردش در قبـال ایران وارد شده است. باید طیفـی از اقدامات از تاب‌آوری در اقتصاد و سیاسـت داخلـی گرفته تا مبارزه با فـساد در داخل و تقویت سیاست خارجی و دیپلماسی و اجماع‌سازی را مدنظر قرار دهیم. باید به سمت وفاق ملی برویم و همه ظرفیت‌ها را به کار بگیریم. در غیر حل باید طبق ضمن برهیز کامل از انفعال اقدامی هم نکنیم که تحریک‌آمیز است. عجالتا مزیت نسبی آمریکا در تهاجم و مزیت نسبی ما در تدافع است.

■ ایران بیش از قراردادن سپاه در لیست سازمان‌های خارجی تروریستی، حرکاتی مثل اغـــاس بانک‌های نظامی، خروج نیروهای نظامی از افغانستان را انجام داده. آیا می‌توان از این اقدامات، جیبر عیوشمندی ایران در برابر طرحات احتمالی آینده را داشت؟

■ اگر رویکرد اروپا در قبال ایران، اثری خواهد داشت و سبب می‌شود اراده آمریکا و روند طی‌شده قبلا کنترل شود و جایی به انمام برسد؟ نتیجه همراهی اروپا علیه آمریکا چه می‌تواند داشته باشد؟

نباید انتظار داشته باشـیم که اروپا و دنیای غیر از آمریکا با ما همراه و رفیق گرمابه و گلستان باشد. در سپهر روابط بین‌الملل کنونی، بیشتر از اتحاد آمریکا از اجماع پیـروی نکنند، نمی‌توانیم انتظار داشته باشـیم. البته اگر واکنش تندی نشان دهیم، ممکن است همین را هم نداشته بیاشیم.

■ اگر ما واکنش‌های تندی نشان دهیم ممکن است با آمریکا همراهی کنند؟

بله! باید محتاط بود. حتـی اگر روزنامه‌های تیتر تندی بزند مستند می‌شـود و آن را علیه ما به کار می‌برند. باید از حر چیزی که ممکن است کرک به دست آمریکایی‌ها بدهد اجتناب کنیم. اگر هم کسی خواست از روی شـیطنت یا احـساس تکلیف کاری انجام دهد، خودمان را مبرا کنیم. درواقع باید هم بیشگیری کنیم و هم اگر اتفاق ناخواسـته‌ای افتـاد، از آن فاصله بگیریم. در غیر این صورت در زمین آمریکایی‌ها بازی کرده‌ایم.

■ درواقع به یکسری افراد تندرو در داخل هم توصیه می‌کنید که سعه صدر داشته باشند. مگر می‌توان از آنها چنین انتظاری را داشت.